

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۹، صفحات ۹۱-۱۰۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۱

اطلاعات تاریخی و جغرافیایی در آثار و احیاء خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

محمدامیر شیخ‌نوری^۱

چکیده

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر بزرگ ایلخانان مغول، یکی از پرکارترین مورخان و نویسندگان در پیشینه تاریخی ایران است. آثار خواجه رشیدالدین به لحاظ مسؤلیت‌ها و جایگاه اداری او و همچنین به دلیل آشنایی و تبحر او در برخی علوم از جمله پزشکی و کشاورزی، حائز اهمیت است. شناخته‌شده‌ترین اثر او کتاب جامع‌التواریخ است. این اثر گذشته از اهمیت و جایگاه آن برای مطالعه در تاریخ کشاورزی و دانش‌های مرتبط با آن، می‌تواند به منظور شناخت اوضاع تاریخی و جغرافیایی دوره ایلخانان مغول نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن تبیین جایگاه این اثر در تاریخ کشاورزی، وجوه اهمیت آن در شناخت اوضاع تاریخی و جغرافیایی دوره خواجه رشیدالدین فضل‌الله و تقسیم‌بندی این داده‌های تاریخی، مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، آثار و احیاء، ایلخانان، کشاورزی.

مقدمه

تاریخ‌نگاری مغول بخش مهمی از تاریخ‌نگاری ایرانیان محسوب می‌شود. دوره ایلخانان مغول به دلیل آثار متعددی که دارد برای ما شناخته شده است. ولی در این میان شاید بیشترین سهم را آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، علاءالدین عظامک جوینی، داود بناکتی، حمدالله مستوفی قزوینی، و صاف‌الحضره شیرازی و ابن‌اثیر داشته باشند.

در این میان جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی اثری شاخص محسوب می‌شود که نه تنها به منظور شناخت این دوره تاریخی ایران، بلکه برای آشنایی با ملل معاصر این دوره نیز اهمیت به‌سزا دارد. اهتمام خواجه در نگارش، تنها به تدوین جامع‌التواریخ معطوف نشد. بلکه در حقیقت او یکی از پرکارترین نویسندگان تاریخ ایران است که ما تنها با برخی از این آثار آشنایییم. در حقیقت اهمیت آثار خواجه رشیدالدین هم به دلیل احاطهٔ خواجه بر اوضاع سیاسی عصر خود و هم به لحاظ تبحر او در برخی علوم زمان اوست. رشیدالدین علاوه بر علم طب که پایهٔ ارتقای او بود و سوای علوم مرتبط با طب و مقدمات آن، با کشاورزی و مهندسی و فلسفهٔ ماوراءالطبیعه و الهیات نیز آشنا بود و چند زبان چون فارسی، عربی، مغولی، ترکی، عبری و احتمالاً چینی می‌دانست (رجب‌زاده، ۱۳۷۰: ۲۹۳).

هدف این مقاله بررسی یکی از آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله با عنوان آثار و احیاء است که در زمینه علم کشاورزی تألیف شده است.

کتاب آثار و احیاء

کشاورزی از مهم‌ترین شیوه‌های معیشت انسانی پس از مرحله خوراک‌جویی است. پیدایش کشاورزی زمینه را برای پی‌جویی بشر به سوی کشف و ابداع بهترین شیوه‌های کشاورزی سوق داد. به همین دلیل اندیشهٔ بسیاری از متفکران جامعه را به خود مشغول ساخت. در اسلام نیز اهمیت فراوانی به کشتکاری و فلاحیت داده شده است (از جمله سورهٔ واقعه، آیه ۶۳). ائمهٔ معصومین^(ع) نیز توجه به کشاورزی و توسعهٔ فلاحیت را با گفتار و کردار خود به

امت یادآور شده‌اند. دانشمندان اسلامی به پیروی از رهبران مذهبی خود به توسعه این علم دست زده‌اند. فرمانروایان و حکام نیز بر همین اساس و نیز به منظور توسعه درآمدهای سرزمین خود به توسعه کشاورزی توجه داشته‌اند. به همین لحاظ آثار متعددی در خصوص کشاورزی و فنون آن نگارش شده است.

مسلمانان در قرون اولیه از حیات علمی خود میان «علم‌النبات» یعنی گیاه‌شناسی و «علم‌الفلاحة» یعنی کشاورزی جدایی قائل نبودند چنانکه جابر بن حیان کتاب‌هایی به هر دو عنوان تألیف کرده است. ولی در دوره‌های بعد این فرق کاملاً آشکار است و اثر آن در کتاب‌هایی که تقسیمات علوم در آنها مطرح شده مانند *إحصاء العلوم فارابی* و *رسائل اخوان الصفا* مشاهده می‌شود.

دانشمندان اسلامی هم به آثار یونانیان درباره نبات و کشاورزی مانند نوشته‌های ذیقرطیس و ارسطو و تئوفراست و دیوسقوریدس و جالینوس و اناتولیس و ابولونیوس تیان و قسطوس و مانند اینها دسترسی یافتند و هم از آثار بزرگان لغت و ادب که به تشریح واژه‌های گیاهی پرداخته بودند، بهره‌برداری کردند، از آن جمله خلیل بن احمد فراهیدی متوفی ۱۸۰، نضر بن شمیل تمیمی مازنی متوفی ۲۰۴، ابو عبیده معمر بن مثنی متوفی ۲۰۸، عبدالملک بن اصمعی متوفی ۲۱۶، ابوزید سعید بن اوس انصاری متوفی ۲۱۵ و ابو عبید قاسم بن سلّام متوفی ۲۲۳، ابن سکیّت متوفی ۲۴۳، ابوحاتم سجستانی متوفی ۲۵۵، و ابوحنیفه دینوری متوفی ۲۸۲ و ده‌ها نظر اینان. از میان آثار این دانشمندان می‌توان به اثر نفیس ابوحنیفه دینوری اشاره کرد که جزئی از آن را ب. لوین (B. Lewin) در ۱۹۵۳ م. در لیدن از بلاد هلند، و جزئی دیگر را محمد حمیدالله در ۱۹۷۳ م. در قاهره چاپ و منتشر کرده‌اند.

از قدیمی‌ترین این آثار که عمدتاً بر اساس تجربیات سایر ملل تدوین شده‌اند می‌توان از آثار زیر نام برد: *الفلاحة النبطیه* اثر ابوبکر احمد بن علی کسدانی صوفی (ترجمه از زبان سریانی به عربی در ۲۹۱ ق)، *الفلاحة الرومیه* ترجمه از زبان رومی به عربی در ۱۷۹ ق، *الفلاحة الفارسیه* که اصل آن از بین رفته و متن فارسی آن به نام *ورزنامه* باقی مانده است.

و نیز کتاب‌هایی در فن فلاحت در اندلس از جمله *المقنع فی الفلاحة* از احمد بن حجاج اشبیلی (تألیف ۴۶۴ ق.)، کتاب *الفلاحة* از ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن بصال الطلیطلی (محقق: صفحات د - ز). در زبان فارسی نیز آثار متعددی در مورد کشاورزی نگاشته شده که برخی از آنان بر جای مانده است. *ورزنامه*، *ارشاد الزراعه*، *مفاتیح‌الزراقة* از جمله این آثارند (خواجه رشیدالدین، ۱۳۶۸، مقدمه افشار: صفحات پنجاه و دو - هفتاد و نه).

توجه به این دانش و نقش آن در معیشت جامعه موجب می‌شود که دیگر متفکران جامعه چون صوفیان نیز به این امر توجه داشته باشند. از جمله، نجم رازی فصلی خاص را به نحوه سلوک رؤسا و دهاقین و زارعان اختصاص داده است (نجم رازی، ۱۳۵۲: ۵۱۳).

آثار و احیاء نیز از جمله کتاب‌هایی است که در علم فلاحت و توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی تحریر یافته است. عنوان این اثر به صورت *آثار و اخبار و الاخبار و الآثار* نیز ضبط شده است (خواجه رشیدالدین، ۱۳۶۸، مقدمه افشار: صفحه سیزده؛ بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۷۵). ولی به استناد و قفنامه ربع رشیدی می‌توانیم اطمینان یابیم که عنوان اثر *آثار و احیاء* بوده است (خواجه رشیدالدین، ۱۳۵۶: ۲۳۷). خواجه رشیدالدین مقرر داشته بود که متولی ربع رشیدی از این کتاب نسخه‌ای به فارسی و نسخه‌ای به عربی استنساخ کند و به شهرها فرستد. «و از آن همواره پیش مدرسی که در روضه ربع رشیدی درس گوید، باشد و هر روز چیزی از آن به درس بگوید» (همان: ۲۴۰). این اثر در آغاز به اهتمام عبدالغفار نجم‌الدوله^۱ در ۱۳۲۴ ق به صورت سربی و سنگی به ضمیمه *ارشاد‌الزراعه* فاضل هروی در تهران و با عنوان *الاحیاء و الآثار* به چاپ رسید (مشار، ۱۳۵۰، ج ۱: ۱۸۴). مشار همچنین در ذیل عنوان *الاحیاء و الآثار* نیز به اثر فوق ارجاع داده است (همان: ۱۸۶).

کاترمر، ادوارد براون و پطروشفسکی اطلاعاتی درباره این کتاب داده‌اند (خواجه رشیدالدین، ۱۳۶۸، مقدمه افشار: صفحه بیست و نه). استوری نیز به استناد کاترمر، کتاب *آثار و الاحیاء* را در زمره آثار خواجه رشیدالدین آورده است. به نوشته او، منتخبی از این کتاب

۱- عبدالغفار نجم‌الدوله یا نجم‌الملک (۱۲۵۵ - ۱۳۳۶ ق) پسر ملامحمدعلی از علمان دارالفنون و منجم‌بازی دربار بود. اعتمادالسلطنه او را «نیوتن عصر و ارشمیدس عهد» معرفی می‌کند که «بر اهالی وطن متنی بزرگ» است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴،

مفصل مربوط به کشاورزی باقی مانده است (استوری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۵). این اثر که به استناد بررسی افشار خلاصه ابواب ۶ تا ۱۳ کتاب اصلی خواجه رشیدالدین فضل‌الله است، به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار در ۱۳۶۸ به چاپ رسید. کتاب اخیر بر اساس سه نسخه خطی و از جمله نسخه چاپ سنگی نجم‌الدوله تصحیح شده است (خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۸، افشار: بیست و هشت).

متن موجود آثار و احیاء به شش بخش به شرح زیر تقسیم شده است:

۱. در معرفت احوال درختان مشتمل بر باب‌های شش و هفت و هشت متن اصلی آثار و احیاء.

۲. درخت‌های هندوستان و چین مشتمل بر ادامه باب هشتم متن اصلی.

۳. معرفت احوال پیوند و زبل^۱ مشتمل بر باب‌های نهم و دهم متن اصلی.

۴. احوال جو، گندم، گاورس برنج، و ذرت مشتمل بر باب دوازدهم متن اصلی.

۵. احوال سایر انواع حبوبات و گیاهان دیگر مشتمل بر ادامه باب دوازدهم متن اصلی.

۶. احوال خضر و بقول و ریاحین موضوع باب‌های یازدهم و سیزدهم متن اصلی.

این اثر خواجه رشیدالدین گرچه در موضوع کشاورزی نوشته شده است، می‌توان از آن اطلاعات مناسب تاریخی و جغرافیایی به دست آورد. این مجموعه اطلاعات را می‌توان در دسته‌بندی زیر معرفی کرد.

اطلاعات تاریخی

از آثار و احیاء یافته‌های تاریخی مختلفی به دست می‌آید. این اطلاعات را می‌توان در چند بخش ارزیابی کرد.

۱- اصلاح زمین به وسیله سرگین است. (نهایه ابن‌انیر) سرگین افکندن بر زمین برای اصلاح او یا زبل کود دادن زرع (ابن درید، ج ۱:

۱. اطلاعات تاریخی درباره زندگی خواجه رشیدالدین فضل‌الله

خواجه رشیدالدین با نوشتن کتاب *آثار و احیاء* نه تنها علاقه خود را به کشاورزی و پرورش نباتات نشان داده، بلکه در موارد متعددی به فعالیت‌های کشاورزی خود نیز اشاره کرده است. این فعالیت‌ها نشان‌دهنده توجه خواجه به کسب تجربیات مختلف کشاورزی و پرورش نباتات و به کارگیری این تجارب است (خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۸: ۱۱، ۱۳، ۱۸ و ...). وی برخی از این تجربیات را مکرر به کار برده است. از آن جمله آن‌گونه که خود اشاره می‌کند درخت امرود و سیب «بسیار کشته» (همان: ۱۳، ۱۷ و ...) و یا به کثرت تخم «رویناس» را از یزد و نائین آورده و در باغات تبریز کاشته است (همان: ۱۶۵ و ...). در شرح کاشتن درخت سفیدار نیز یادآور می‌شود که «چندان نشانده که حساب و شمار آن به دشواری توان کردن» و احتساب و تجربه کرده که «محصول و فایده آن بسیار است» (همان: ۶۲). برخی از تجربیات خواجه نیز به آزمایش‌های او باز می‌گردد. فعالیت‌هایی که خواسته برخلاف روال به کشت نباتات در مکان‌های غیرمعمول یا به روش‌های غیرمتداول دست زند. از جمله تخم کتان روسی را به تبریز و سلطانیه نیز آورده و کاشته است (همان: ۱۵۹). برخی از این تجربیات به نحوه استفاده از محصولات کشاورزی باز می‌گردد. این مطالب در جای خود در شناسایی فرهنگ و رسوم مردم معاصر با خواجه مؤثر است. از جمله، وی به پخت نوعی برنج اشاره می‌کند (همان: ۱۴۷) و یا نحوه استفاده از زیتون را یادآور می‌شود (همان: ۶۸).

برخی اطلاعات دیگر در این زمینه مرتبط است با سفرهای خواجه به مناطق مختلف. این اطلاعات ما را در شناسایی هر چه بیشتر زندگی خواجه یاری می‌دهد. با توجه به اطلاعات کتاب *آثار و احیاء* می‌دانیم که خواجه رشیدالدین به تفرش، یزد، شوشتر، گیلان، مازندران، سنجار، عراق، هرموز، ابرقوه، دیاربکر^۱، اصفهان، قهرود، همدان و سلطانیه سفر کرده است (همان: ۲۷، ۳۲، ۴۱، ۴۷، ۵۰، ۵۸، ۶۰، ۱۲۵، ۱۴، ۱۵۴، ۱۸۶ و ...). همچنین

استنباط می‌شود به کماخ در ولایت روم نیز رفته و از مطاع آن یعنی توت بی‌دانه استفاده کرده است (همان: ۳۰).

همچنین از مطالب این کتاب می‌توان اطلاعاتی در خصوص مرادوات و ارتباط‌های خواجه به دست آورد. وی همچون دیگر آثار خود، برای افزایش دانش خود، به جمع‌آوری اطلاعات از آشنایان به فنون مختلف و مطالعات امور مورد نظرش پرداخته است. در تدوین کتاب *آثار و احیاء* نیز از دانسته‌های کشاورزان بهره گرفته و این موارد را یادآور شده است. (همان: ۲۱). از تجار و مسافران اطلاعاتی در مورد کشاورزی سرزمین‌شان کسب کرده (همان: ۸۴)؛ یا به مطالعه آثار تدوین‌شده گذشتگان در مورد کشاورزی پرداخته است (همان: ۱۲۳). اطلاعاتی که خواجه از اعتقادات و فرهنگ عامه بیان می‌دارد نشان می‌دهد که او با اقشار مختلف مردم ارتباط گسترده بسیار داشته است.

۲. اقوام و ملل

خواجه رشیدالدین در *آثار و احیاء* علاوه بر معرفی محصولات کشاورزی اقوام دیگر، در موارد متعددی به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی اقوام و ملل مختلف اشاره کرده است. در این میان چین جایگاه ویژه‌ای دارد، از جمله استفاده گسترده چینی‌ها از کاغذ را یادآور شده است. او می‌نویسد چینی‌ها بیشتر کاغذ را از پوست درخت توت می‌سازند، و در آن «ملک کاغذ زیاد از همه ولایت خرج می‌شود. چه سبب نیکی کاغذ آن است که کتابت بر روی کاغذ می‌کنند و دیگر ولایات بر هر دو روی و دیگر آنکه اکثر آلات و اقمشه در کاغذ پیچند» (همان: ۳۷). به نوشته خواجه، چینی‌ها اکثر معاملات خود را با پول کاغذی (چاو) انجام می‌دادند. وی یادآور می‌شود که چون چاو دست به دست می‌گردد، کهنه می‌شود، هر کس می‌تواند چاو کهنه‌ای را به دیوان برد و چاو نو در عوض آن دریافت کند. به نوشته خواجه در دیوان، چاوهای کهنه سوزانده می‌شد (همان: ۳۷).

همچنین رشیدالدین فضل‌الله برخی از ولایات چین را به ما معرفی می‌کند. مثلاً در ولایت‌های قمجو و سینجو درخت دارچین فراوان کاشته می‌شود (همان: ۸۶، ۷۷) یا در

ولایت چوچو در چین درخت تنبول وجود دارد (همان: ۸۵). همچنین اشاره می‌کند که شهری به نام چندو در نزدیکی خانبالغ وجود دارد (همان: ۸۷).

ساکنان ختای، هندوستان، مصر، روم، دمشق، دیار بکر، گرجستان، ایغورستان و مغولستان از جمله اقوام و ملی‌اند که خواجه رشیدالدین در آثار و احیاء از آنها یاد کرده است (همان: ۱۴، ۳۰، ۳۷، ۴۰، ۴۹ و ...).

همچنین:

- چین چپو به ولایت ختای تعلق دارد (همان: ۸۷). یا در ولایت ختای چوب صندل را برای سوختن استفاده می‌کنند (همان: ۹۰).

- علی‌رغم آنکه هندی‌ها خود دارچین دارند، به دلیل کیفیت خوب دارچین، این محصول از چین به هند برده می‌شود (همان: ۷۷). و نیز اینکه در هندوستان عادت بر آن است که این محصول را پادشاهان و امرا صندل برای خوشبویی بر خود می‌مالند (همان: ۹۰).

خواجه رشیدالدین همچنین در مورد اقوام مختلف چون تاجیکان، بخشیان، ترکان، عجم‌ها، هندی‌ها، ختاییان، منزی‌ها و دیگر اقوام اطلاعات مختصری ارائه می‌دهد که در جای خود استفاده دارد (همان: ۷۰، ۷۷، ۹۹، ۱۶۳، ۱۹۲ و ...).

۳. دانسته‌ها، فرهنگ و افکار عامه

آثار و احیاء منبع مناسبی برای بررسی دیدگاه عامه در مورد کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی و نحوه استفاده از آنهاست. خواجه دانسته‌ها و رسوم متداول مردم مناطق مختلف ایران را در مورد فعالیت‌های کشاورزی به ما یادآور می‌شود. مثلاً او به تبحر باغداران اصفهان در جلوگیری از آفت درختان سیب و اشراف آنان بر «احوال و طبیعت» درخت اشاره می‌کند (همان: ۱۲، ۱۴). همچنین از تجارت تخم کرم ابریشم و نحوه حمل آن در مناطق گرمسیر و سردسیر می‌نویسد (همان: ۳۶). به نوشته او در سرزمین‌های گرمسیر، تخم ابریشم را در کوزه سفالین قرار می‌دهند تا هوای معتدل داشته باشد. در زمان‌های سرد، باید تخم ابریشم را گرم نگاه دارند. به همین لحاظ هنگامی که می‌خواهند

به سرزمین‌های سردسیر بروند، تخم ابریشم را در «میان پوستین نهند و بعد از آن در صندوق‌ها نهاده در حوالی آن پنبه نهند، تا هم از سرما در راه ایمن بود و هم زور بدان نرسد و شکسته نگردد» (همان: ۳۶).

او گاه از بیان شنیده‌های خود نیز خودداری نمی‌ورزد. از جمله می‌نویسد که برای بار دادن درخت فستق «اگر جماعتی ازّه بردارند و بعضی گویند این درخت بار نمی‌دهد می‌بریم و بعضی گویند بار خواهد داد و شفاعت کنند بعد از آن بار بدهد و حقیقت آن معلوم نیست» (همان: ۲۹).

۴. ذکر اصطلاحات

معرفی معادل‌های برخی اصطلاحات در دیگر زبان‌ها یا اصطلاحات متداول در مورد یک فعالیت کشاورزی یا جانداران و اشیاء از دیگر موارد قابل توجه در *آثار و احیاء* است. خواجه در مورد متعددی معادل عبارات را به زبان‌های چینی، منزی^۱، مغولی، ترکی، هندی، عربی و دیگر زبان‌ها نیز آورده است. از جمله واژه‌های چینی و منزی چون «تالی‌هنگ» به معنی صندل سفید، «چم جینک» به معنی عود «رزکه» به معنی خیارچنبر، «هورسیو» به معنی فلفل (همان: ۷۴، ۸۰، ۸۹، ۹۳) و از واژه‌های ترکی و مغولی چون «دوملان» به معنی بیخ گیاهی و «سفرقول» به معنی کندس (همان: ۴۷، ۹۹) نام می‌برد. همچنین از عبارتی هندی چون «تق و تینکان» به معنی جوز هندی یا «نیل» به معنی فلفل سیاه یاد می‌کند (همان: ۷۰، ۷۲، ۸۰). در کنار آن واژه‌های متعددی نیز به کار می‌برد که مشخص نیست از چه زبانی هستند، چون «توکی» به معنی نوعی ذرت، «النبیر» به معنی گندم (همان: ۱۴۵، ۹۸).

معرفی برخی از اصطلاحات متداول نیز از جمله ویژگی‌های قابل توجه در *آثار و احیاء* برای شناخت فرهنگ عامه در این دوران است. اصطلاحاتی چون «گورگور» به معنی مرغ مردارخوار، «گل شاخ» برای نشان دادن زمین سخت و سفت، «چفته» وسیله‌ای برای

بستن درخت مو (همان: ۳، ۱۷، ۴۴ و ...) از آن جمله است؛ یا آوردن جملات و تمثیل‌هایی چون «نور علی نور» (همان: ۱۶).

اطلاعات جغرافیایی

آثار و احیاء در موضوع کشاورزی و باغداری نگارش شده، ولی به نوبه خود اثری ارزشمند در جغرافیا محسوب می‌شود. این اطلاعات از چند جنبه قابل توجه‌اند.

۱- معرفی عنوان ولایات و شهرهای مختلف چون همدان، بغداد، شوشتر، عراق عجم، خراسان، آذربایجان، اصفهان، سمنان، قزوین و ... (همان: ۴، ۵، ۸، ۱۹، و ...). این امر ما را از کاربرد این عناوین برای این سرزمین‌ها و در این دوران مطمئن می‌سازد.

۲- معرفی آب‌وهوا و محصولات کشاورزی هر یک از ولایات. مثلاً به نوشته خواجه، شوشتر «عظیم گرم است»، و عراق عجم و خراسان و آذربایجان به «اعتدال» است (همان: ۴، ۵، ۴۰ و صفحات مکرر).

نتیجه

آثار و احیاء نه تنها به ما در شناخت وضعیت کشاورزی و باغداری ایران و سرزمین‌های مجاور آن یاری می‌رساند، بلکه در کنار دیگر منابع اثر مناسبی برای بررسی تاریخ و جغرافیای ایران در دوران مغول است. به همین لحاظ ضرورت دارد که درباره این کتاب از منظر کسب اطلاعات تاریخی و جغرافیایی و جامعه‌شناسی دوران مغول تحقیق شده و اطلاعات آن در این زمینه‌ها مدون گردد.

منابع

- ۱- استوری (۱۳۶۲)، *ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری*، مترجم یو.ا. برگل، مترجمان فارسی: یحیی آرین‌پور، سیروس ایزدی، کریم کشاورز، تحریر احمد منزوی، تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۴)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، چ دوم تهران، اساطیر.
- ۳- بهار، محمدتقی (ملک الشعراء) (۱۳۷۰)، *سبک‌شناسی*، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
- ۴- خواجه‌رشدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۶۸)، *آثار و احیاء*، به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه.
- ۵- ---- (۱۳۵۶)، *وقف‌نامه ربیع‌رشدیدی*، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی.
- ۶- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۷)، *خواجه‌رشدالدین فضل‌الله*، تهران، طرح نو.
- ۷- محقق، مهدی، *آگاهی‌های درباره فن کشاورزی در اسلام*، منضم به کتاب آثار و احیاء خواجه‌رشدالدین فضل‌الله همدانی.
- ۸- مشار، خانبابا (۱۳۵۰)، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۱، تهران.
- ۹- نجم رازی (۱۳۵۲)، *مرصادالعباد*، به اهتمام محمدمین ریاحی، تهران، علمی و فرهنگی.